

ابن عباس در زمان حیات رسول خدا (ص) و نقش وی در روایات میان اهل تسنن و تشیع

حسین حمزه

کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

ابن عباس به دلیل دارا بودن شخصیتی ممتاز و عالی میان مسلمین از جمله افرادیست که از طفولیت مورد توجه بوده و کوچکی سنش موجب نگردیده تا به روایات او اعتنا نشود هر چند در هنگام وفات رسول خدا (ص) ۱۰ یا ۱۳ سال سن داشته است. و در میان کتب هر دو فرقه (شیعه و اهل تسنن) روایات زیادی در فضائل و مناقب او وارد گردیده است، هر چند در میان احادیث شیعه روایاتی بر قدح این شخصیت میابیم اما با تامل در سیره عملی و رفتاری ابن عباس واضح و مبرهن میگردد که این شخصیت از مدافعان و یاران امیرالمومنین و اولاد طاهرینش بوده است، مضافاً بر اینکه همگی این روایات دارای ضعف سند و اشکال می‌باشند.

عبدالله بن عباس از جمله یاران رسول خدا(ص) میباشد که تمامی مسلمین بر بزرگی او اذعان نموده اند و روایات بیشماری را از او در کتب حدیثی، تفسیری، فقهی نقل کرده اند، و با انی‌کی تفحص ی‌ر میان منابع اهل تسنن و شیعه ی‌ر می یابیم که ی‌ر بعضی از روایات وی از رسول خدا(ص) (احادیثی را نقل مینموده است، در حالی که او در زمان رسول خدا(ص) (دوران صباوت خویش را پشت سر مینهاده است، ل‌ه‌ذا ما در این نوشتار به بررسی این شخصیت در زمان حیات رسول خدا(ص) (و نقش او در میان روایات شیعه و اهل تسنن خواهیم پرداخت:

ابو العباس عبد الله بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن كلاب بن مره بن كعب بن لوئی بن غالب بن فهر قرشی هاشمی، مادرش ام فضل لبابه الكبری دختر حارث بن خزَن بن بجیر هلالیه خاله ی خالد بن ولید و خواهر میمونه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله که در هنگامه ی محاصره ی بنی هاشم در شعب ابی طالب سه سال قبل از هجرت دیده به جهان گشوده است. ابن عساکر (571 هـ) (بسنده از مجاهد نقل می کند که ابن عباس گفت: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیتش در شعب گرفتار بودند پدرم) عباس در بیعت انصار در عقبه حاضر بوده و به رسالت پیامبر ایمان داشته اما ایمانش را مکتوم می کرده است، همانگونه که همسرش ام فضل دومین یا سومین زنی بوده که بعد از بعثت به رسول خدا صلی الله علیه و اله ایمان آورده است. (نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده و عرض کرد: ای محمد، ام فضل باردار است و هنگامه ی فارغ شدنش می باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امیدوارم خداوند چشمان شما را روشن گرداند، ابن عباس گفت: من را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند در حالی که در پارچه ای پیچیده و رسول خدا صلی الله علیه و آله با آب دهانش کام از من برداشت. برخی ولادت او را پنج سال قبل از هجرت دانسته اند و به روایت شعبه از سعید بن جبیر از ابن عباس استناد می کنند. (ذهبی 748) هـ (در روایتی از ابو عبدالله بن منده تاریخ ولادت ابن عباس را دو سال قبل از هجرت نیز ذکر می نماید و ابن عساکر 571) هـ (در نقلی از عمرو بن دینار ولادت او را در سال هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در شهر مدینه می آورد.

روایات ابن عباس:

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمومنین علیه السلام، اُبی بن کعب، عمار بن یاسر، ابوذر غفاری، عمر بن خطاب، بُرید بن حصیب، عباس بن عبدالمطلب، ابوبکر، معاذ، عبالرحمن بن عوف، زید بن ثابت روایت نقل می نموده، راویان چندی چون: عبد الله بن عمر، انس بن مالک، ابوالطفیل عامر بن وائله، ثعلبه بن حکم، ابو امامه بن سهل بن حُنیف، کثیر بن عباس، علی بن عبدالله بن عباس، عبدالله بن معبد بن عباس عِکرمه، ابومعبد ناخذ، کُرب، عوسجه، شعبه، مقشَم، عطاء بن اُبی راج، مجاهد بن جَبر، عبیدالله بن عبدالله بن اُبی مُلیکه، عمرو بن دنیار، عبدالله بن اُبی یزید، محمد بن عباد بن جعفر مخزومی، ابو صالح باذام عبید بن عمیر اللیثی، عبدالله بن عبید بن عمیر اللیثی، عمار بن اُبی عَمّار، سعید بن حویرث، محمد بن مسلم، ابو الزبیر، عکرمه بن خالد مخزومی، سعید بن مسیب، قاسم بن محمد، عبید الله بن عبدالله بن عقبه، نافع بن جبیر بن مطعم، حیمد و ابو مسلمه فرزندان عبدالرحمن بن عوف، سلیمان بن یسار، عطاء بن یسار، سعید بن یسیر، طلحه بن عبدالله بن عوف، عبدالله بن حُنین، ابو غطفان بن ظریف مُرّی، اسحاق بن عبدالله بن کنانه، حکم بن مینا، ذکوان عبید بن سَبّاق، عروه بن زبیر بن عوام، علی بن حسین بن علی بن اُبی طالب، محمد بن کعب قُرطی، وهب بن کیسان، یزید بن هرْمُز، علقمه بن وقاص، طاوس بن کیسان، وهب بن منبه، حجر بن قیس مدّری، عبدالرحمن بن بیلمانی، عامر شعبی، سعید بن جبیر، عبدالرحمن بن عباس، عبدالعزیز بن رفیع، سعید بن فیروز طائی، عمرو بن میمون، عبدالرحمن بن مطعم، اُرقم بن شرجیل، اسماعیل بن عبدالرحمن سَدّی، حبیب بن اُبی ثابت، ابو ظبّیان حصین بن جندب، حصین بن مالک بجلی، سالم بن اُبی جعد، عمران بن حارث سلمی، کلیب بن شهاب، مسلم بن صَبّیح، اوس بن عبدالله رَبّعی، عطیه بن سعد عوفی، جابرن زید، حسن و سعید دو فرزندان اُبی الحسن، محمد بن سیرین، مسلم بن عراق، مسلم بن عبدالله اُعوج، منذرن مالک عبّدی، موسی بن سلمه، نصرین عمران، نَضْرین انس بن مالک، لاحق بن حُمَید سدوسی، بکیر بن عبدالله مُزنی، یحیی بن یَعْمَر، حکم بن عبدالله بن اعرج، سعید بن اُبی هند، عبدالله بن حارث، نسیب بن سیرین، عبدالله بن شقیق عقیلی، عمران بن تیم عطاردی، حِطّان بن خُفّاف، علی بن داود، ابو عالیه رُفیع رِیاحی، بَجّاله بن عبد تمیمی، زراره بن اُوفی حَرّشی، ابو ادريس خولانی، خالد بن لجلاج، شهر بن حَوْشَب، میمون بن مهران، یزید بن الأصم، عبدالرحمن بن وَعَلّه، سَمّاک بن ولید حنّفی، عبیدالله بن یزید، ضحاک بن مزاحم، عطاء بن اُبی مسلم از او نقل روایت می کردند، زرکلی در الاعلام معتقد است که احادیث نقل شده از ابن عباس در صحیحین و کتب دیگر 1660

حدیث می باشد، شیخ طوسی (460) هـ (فتوا در کتاب «الخلافا» از ابن عباس نقل می کند. وی از جمله کسانی بوده که قائل به إباحه ی متعه و عدم نسخ قرآن بوده است.

خصوصیات عبدالله بن عباس:

بلاذری (279) هـ (از علی بن ابی طلحه نقل می کند که عبد الله بن عباس دارای قدی بلند و گردنی زیبا، و صورتی دایره ای و سفید { که البته سفیدی آن زیاد نبود}، محاسنی پر پشت، و در بینی او برجستگی وجود داشت، نه چاق و نه لاغر بود و قبل از آنکه نابینا گردد دارای چشمان بسیار زیبا بود، همچنین از شعبه مولی ابن عباس نقل می کند که ابن عباس محاسنش را زرد می کرد.

ابن عساکر (571) هـ (آورده است که :ابن عباس دارای گردنی معتدل و زیبا بوده است .ذهبی (748) هـ (از سعید بن سالم از ابن جریج نقل می کند که در مسجد الحرام همراه با عطاء نشسته بودیم که به یاد ابن عباس افتادیم، در این هنگام عطاء گفت :من هیچ وقت ماه شب چهارده را ندیدم مگر اینکه یاد صورت ابن عباس افتادم .ذهبی و ابو نعیم اصفهانی (430) هـ (از طاوس نقل می کنند که :هیچ کس را همچون ابن عباس در تعظیم و بزرگداشت حرمت‌های الهی ندیدم، ذهبی همچنین از جویری از ضحاک نقل می کند که : هیچ خانه ای را همچون خانه ابن عباس ندیدم که در آن بیشتر نان و گوشت در آن باشد، که این کلام **کنایه از مهمان دوستی و مهمان پذیری ابن عباس می باشد**، مسروق می گوید :هنگامی که ابن عباس را می دیدم می گفتم :زیباترین مردم است، و همگامی که سخن می گفت، می گفتم فصیح ترین مردم است و هنگامی که حدیث می گفت، می گفتم که عالمترین مردم می باشد .ذهبی از شعیب بن درهم از ابورجاء نقل می کند که :ابن عباس را دیدم در حالی که در پایین چشمانش مانند باریکه ی راه از گریه بود، عکرمه نقل کرده است که :ابن عباس هرگز بدون لباس وارد حمام نمی شود بلکه خود را با لباسی کلفت می پوشاند و می گفت :من از خداوند حیاء می کنم که من را در حمام بدون لباس ببیند .ابو جویریہ نقل کرده است که ابن عباس را در حال نماز دیدم در حالی که إزارش تا به نصف ساقش یا بیشتر آن می رسید و بر روی او پارچه ی رومی بود ، رشید بن کُریب از پدرش نقل می کند که :ابن عباس را دیدم در حالی که عمامه ی سیاه پوشیده بود و قسمتی از آن را از بین کتفهایش بین دو دستش قرار داد بود .ابن اثیر (630) هـ (نقل می



کند که ابن عباس با حناء خضاب می کرده است . طبرانی (360) هـ (از حبیب بن اُبی ثابت نقل می نماید که ابن عباس را دیدم در حالی که موی سرش انبوه و بسیار بود .

فرزندان ابن عباس:

عبدالله بن عباس از زرتمه بنت مشرَح بن معدی کرب بن ولیقه بن معاویه بن شرحبیل بن معاویه صاحب هفت فرزند گردید

۵

علی السجاد، بلاذری (279) هـ (نقل می کند که علی بن عبدالله در شبانه روز یک هزار رکعت نماز می گزارد، و گفته شده که وی زیباترین و خوش سیماترین مردم قریش بر روی زمین بود، ابن عدربه (328) هـ (نقل می کند که : روزی امیرالمومنین علیه السلام هنگام نماز ظهر، عبدالله بن عباس را حاضر ندید، پس به یارانش رو کرد و فرمود: چه شده که ابو العباس را حاضر نمی بینم؟ گفتند: برای او فرزندی به دنیا آمده است، پس از اقامه ی نماز ظهر، امیر المومنین علیه اسلام به یاران فرمودند: همراه من به دیدن او برویم، پس نزد او رفتند و به او تهنیت گفتند، امیر المومنین علیه السلام به او فرمود: سپاس می گویم بخشنده را و مبارک باشد برای تو بخشیده شده، نام فرزند را چه چیز گذاشته اید؟ ابن عباس گفت: جایز نیست بر من که نامگذاری کنم، فرزندم را قبل از آنکه تو او را نامگذاری کنی، پس ابن عباس امر نمود و فرزند را برای او آوردند و فرزند را به امیرالمومنین داد و امیر المومنین علی علیه السلام برای مولد دعا کرد و کام او را برداشت و فرمود: فرزند را بگیر ای پدر دارایی زیاد! همانا او راعلی و کینه اش را ابوالحسن قرار دادم، در ملاقاتی که ابن عباس با معاویه داشت، معاویه به او گفت: اسم او را علی بگذار اما کینه اش را ابو محمد قرار بده، پس او آن کار را کرد . در نقل دیگری: عبد الملک بدو گفت: به خدا سوگند، اسم و کینه ی او را تحمل نمی کنم، یکی از این دو را تغییر ده! او کینه اش را به ابو محمد تغییر داد، طبری (301) هـ (و ابن اثیر (630) هـ (نقل می کنند که: تولد علی بن عبدالله بن عباس در آن شب بود که علی بن ابیطالب را ضربت زدند یعنی شب 17 رمضان سال چهارم و پدرش نام وی را علی گذارد و گفت: نوی را به نام کسی نامیدم که به نزد من از همه ی مخلوقات محبوبتر بود.

عباس، که به خاطر همین فرزند او را به ابوالعباس می خواندند .

عبدالله

عبدالرحمن -6

فضل -5

محمد -4



شماره ۱۲

لبابه: که ابن عدبره (328) هـ (از عتبی نقل می کند که به زنی ولید بن عبدالملک در آمد اما بلاذری) 279 هـ (او را همسر اسماعیل بن طلحه بن عبیدالله آورده است).

ابن عباس از کنیزی ام ولد صاحب دختری به نام اسماء گردید که به همسری عبدالله بن عبیدالله بن عباس در آمد، ابن اثیر (۶۳۰) هـ (فرزند ذکور دیگری به نام سلیط بن عبدالله بن عباس برای ابن عباس بر شمرده است).

۶

سن عبدالله بن عباس به هنگام وفات رسول خدا(ص)

طبرانی (360) هـ (از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که گفت: هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله من ده سال سن داشتم. و در روایت دیگری از ابوالعالیه ابن عباس می گوید: من محکمت قرآن را در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله خواندم در حالی که در آن وقت دوازده سال بیش نداشتم. و در روایت دیگری از سعید بن جبیر نقل شده که ابن عباس هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله پانزده سال سن داشته است. ابن عبدالبر (463) هـ (از ابوعمر نقل می کند روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وفات نمود ابن عباس سیزده سال از سنش گذشته بود، اختلاف اقوال در مورد اینکه سن ابن عباس هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله چقدر بوده، باز می گردد به اختلاف مورخان و محدثان در سال ولادتش، اما ما در این رساله در پی کشف و تعیین دقیق سال تولد و سن ابن عباس هنگام وفات رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله نیستیم، بلکه در این مقام یک سوال مطرح می گردد و آن اینکه، ابن عباس یقیناً در دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای صغر سن بوده و هنوز به سن بلوغ نرسیده بوده است و حال آنکه ما روایات عدیده ی را ملاحظه می کنیم که ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده و حال آنکه علمای علم رجال و حدیث، بلوغ را از جمله شرائط ناقل حدیث دانسته اند، سیوطی (911) هـ (می گوید راوی باید مسلمان و بالغ باشد و روایت راوی در حال کفر و صبی بودن مورد قبول نیست. ابن صلاح) 643 هـ (در باب پذیرش روایت راوی می نویسد: همه ی علمای حدیث و فقه اجماع دارند که راوی باید مسلمان بالغ عاقل و سالم از هرگونه اسباب فسق باشد. شهید ثانی (965) هـ: (ا) شرائط راوی در زمان روایت کردن بلوغ است، پس روایت صبی مطلقاً مورد قبول نیست. طریحی (1085) هـ: (از شرائطی که به راوی باز می گردد، اسلام است که مورد اتفاق همه ی علماء می باشد، اما روایات صبی مورد قبول نیست حتی اگر



شماره ۱۲

ممیز باشد. ما مقانی (1351 هـ): (علماء اجماع دارند که صبی غیر بالغ مورد قبول و پذیرش نیست، که این مطلب در صبی غیر ممیز صحیح و شکی در آن نیست؛ به دلیل عدم وثوق به خبرش و اما در صبی ممیز دو قول وجود دارد، مشهور قال به عدم قبول و گروهی از عامّه قائل به قبول شده اند، به شرط آنکه از خبر او برای ما ظن حاصل شود. دکتر محمد عجاج خطیب در اصول الحدیث می نویسد: از شرایط قبول روای بلوغ می باشد که غیر از آن به دلیل سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث رفع، روایتش مورد قبول نیست.

۷



شماره ۱۲

حال کلام و سخن در این است که قدر متیقن ابن عباس در دوران حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله به سن بلوغ نرسیده و بنابر قولی که سال ولادت او را اوّل هجری بدانیم در دوران خلافت ابوبکر نیز هنوز نوجوان و بالغ نشده بوده و این در صورتی است که روایات بیشماری از ابن عباس از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده و در جوامع روایی موجود می باشد.

در جواب باید به دو نکته اشاره نمود:

شرایط بلوغ در وقت اداء و نقل می باشد نه در وقت تحمل و حفظ نمودن آن توسط راوی. حسن بن عبدالصمد حارثی (984 هـ) (می نویسد، جمهور فقهای و راویان احادیث اجماع کرده اند که بلوغ در راوی شرط است هنگام اداء حدیث نه در وقت تحمّل آن، میرزای قمی (1231 هـ) در قوانین الاصول قائل شده است که اگر راوی بعد از بلوغ روایت را نقل بنماید ولی قبل از بلوغ آن را شنیده باشد و سائر شرایط در آن جمع وجود داشته باشد روایتش صحیح است. و با همین مضامین را علامه برهان الدین ابناسی در کتاب الشذا الفیاح آورده است.

2- اجماع علمای اهل حدیث بر آن است که برخی از صحابه که در حین صباوت حدیث را شنیده یا در واقعه ی حضور داشته اند، مورد قبول می باشد مانند: حسن بن علی، حسین بن علی علیهما السلام، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عباس، نعمان بن بشیر، سائب بن یزید، مصور بن مخرمه، و این کلام آنقدر عادی و طبیعی بوده که سیوطی (911 هـ) (نقل می کند: اهل علم فرزندان کوچک خویش را در مجالس حدیث حاضر می نمودند و بعد از بلوغ به روایات آنها اعتماد و اعتناء می کردند.

ابن عباس در روایات اهل تسنن:

ابن سعد از قسم بن مالک مَزَنی از عبدالملک از عطاء از ابن عباس نقل می کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله دوبار برای من دعا نمود که خداوند حکمت را به من عطا کند.

ابن حنبل از عبدالله از پدرش از اسماعیل از عکرمه روایت می کند که ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در آغوش کشید و فرمود: بار خدایا قرآن را به او بیاموز.

ابن عساکر (571 هـ) (از ابوالقاسم بن سمرقندی از ابوبکر بن طبری از ابوالحسین بن فضل از عبدالله بن جعفر از یعقوب بن نسیان از نوح بن هیثم عسقلانی از ولید از سعید بن عبدالعزیز از داود بن علی نقل می کند که گفتند: ای فرستاده ی خدا، همانا ام فضل باردار است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نزدیک است که صورتهای ما را به وسیله فرزند پسری سفید نماید، و عبدالله بن عباس به دنیا آمد.

ابن حنبل از عبدالله از پدرش از هیثم از خالد از عکرمه از ابن عباس روایت می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله دست بر سرم نهاد و برایم حکمت را از خداوند طلب نمود.

ابن سعد نقل می کند که همانا مردم به فقیهان خویش ابن عباس و عبید بن عمیر افتخار می کردند.

طبرانی (360) از محمد بن علی بن حسین رضی الله عنهم نقل می کنند که: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله با حسن و حسین و عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر در کودکی آنان بیعت نمود و با هیچ کودکی بیعت ننمود مگر اینان.

ابن حنبل از عبدالله از پدرش از هاشم از ورقاء از عبدالله بن زید از ابن عباس نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله به خلاء رفت و من ظرفی برای وضو او گذاشتم، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خارج شدند فرمودند: بار خدایا او را فهم عطا کن.

ابن عبد ربه (328 هـ) (نقل می کند که حسان بن ثابت در مدح عبدالله بن عباس چنین سرود:

إِذَا قَالَ لَمْ يَتْرُكْ مَقَالًا لِقَاتِلٍ بِمُلْتَقَطَاتٍ لَا تَرَى بَيْنَهَا فَصْلًا

كَفَى وَ شَفَى مَا فِي النُّفُوسِ لَمْ يَدَعِ لِذِي إِرْبَةٍ فِي الْقَوْلِ جِدًّا وَ لَا هَزْلًا.

و همچنین نقل می کند که در بلاغت ابن عباس، معاویه این چنین سرود:

إِذَا قَالَ لَمْ يَتْرَكَ مَقَالًا وَ لَمْ يَقِفْ لَعْنًا وَ لَمْ يَتَّخِذْ مِنَ اللِّسَانِ عَلِيَّ هَجْرًا

يُصْرَفُ بِالْقَوْلِ السَّانُ إِذَا اتَّحَى وَ يَنْظُرُ فِي أَعْطَافِهِ نَظْرَ الصَّقَرِ

ابن سعد (230) ه (به سندش از حسین بن عبدالله بن عبيدالله از عكرمه نقل می کند که همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوندا به ابن عباس حکمت و تاویل کتاب را فرا بده.

۹

ابن سعد از عبدالله بن عثمان بن خيثم از سعيد بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ی میمونه بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ظرف آب وضویی قرار دادم، پس میمونه به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا این ظرف را عبدالله بن عباس برای شما قرار داده است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند فهم در دین و تاویل آیات را به او بیاموز.

ذهبی (438) ه (از شیبب بن بشر از عكرمه از ابن عباس نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل خلا شدند و خارج گردیدند و ظرف سرپوشیده ی را مشاهده نمودند و فرمودند: چه کسی این را گذاشته است؟ گفتم: من فرمودند: خداوند او را تاویل قرآن بیاموز.

ذهبی (748) ه (از مجاهد نقل می کند کسی را هرگز مانند ابن عباس ندیده ام؛ همانا فقیه این امت وفات نمود.

و همچنین از اعمش و مجاهد نقل می کند که ابن عباس را دریا می نامیدند به دلیل زیادی علمش.

عسقلانی (852) ه (از زبیر بن بكار از داود از عطاء از زید بن أسلم از ابن عمر نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ابن عباس این چنین دعا نمود که: خداوندا او را مبارک گردان که از او (علوم) منتشر گردد.

ابن سعد (230) ه (از ابن جریج از عطاء نقل می کنند که عطاء می گفت: دریا این چنین گفت و دریا چنین انجام داد.



شماره ۱۲

ابن سعد به سندش از عکرمه نقل می کند که :ابن عباس عالمترین صحابه به قرآن و علی علیه السلام عالمترین صحابه مبهمات می باشد.

ابن سعد از اسماعیل بن ابی مسعود از لیث بن ابی سلیم نقل می کند که به طاوس گفتم ملازم این غلام (ابن عباس) شده ای و بزرگان یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله را ترک نموده اید، طاوس گفت : من هفتاد تن از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله را مشاهده کردم که هنگامی که در سر مسئله ی اختلاف می کردند، به کلام ابن عباس رجوع نمودند.

۱۰



شماره ۱۲

ابن عبدالبر (463 هـ) : (از حلوانی از ابواسامه از اعمش از ابو وائل نقل می کند که :ابن عباس در موسم حج برای ما خطبه خواند و آن را با سوره نور آغاز نمود و آیات را می خواند و تفسیر می کرد و من می گفتم : مانند سخنان این مرد نه دیده ام و نه شنیده ام، و اگر سخنانش را فارس، روم، ترک می شنیدند، مسلمان می شدند .

و همچنین نقل می کند که عمرو بن دنیار می گفت :هیچ مجلسی همچون مجلس ابن عباس که جامع همه ی خوبیها باشد ندیده ام، حلال، حرام، ادبیات عرب، انساب و شعر.

و از قاسم بن محمد نیز نقل می کند که :در مجلس ابن عباس هرگز باطل و لغو ندیدم، و فتوای که نزدیک به سنت باشد، همانند فتوای او شنیده ام و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دریا می نامیدند و به او « خبر » می گفتند.

عسقلانی (852) از جعفر بن عوف از اعمش نقل می کند که :بهترین مفسر قرآن ابن عباس می باشد.

و همچنین روایت می کند که از ابن عمر از مسئله ی سوال نمودند و او در پاسخ گفت از ابن عباس سوال بکنید، زیرا او عالمترین فرد بر آن چیزی است که بر محمد نازل شده است.

ابن اثیر (630 هـ) (از عبیدالله بن عبدالله بن عقبه نقل می کند که با مرگ ابن عباس، مردم چند چیز را از دست دادند :علمی که از گذشتگان بود، فقیهی که نیازمند به رأی او بودند، حلم، انساب و تاویل.

باید خاطر نشان نمود که مناقب و فضائل بسیاری به ابن عباس منسوب کرده اند، و این مطلب هنگامی به اوج خود می رسد که در سه روایت بلاذری (279 هـ) (ابن عباس را با رسول خدا صلی الله علیه و آله

مقایسه نموده و قائل شده که ابن عباس، جبرئیل را مشاهده می کرده است. لہذا برخی از محققان معتقدند که بی تردید بخش مهمی از این مناقب از فعالیت و تشویقِ اعقابِ عبدالله به حفظ و نشر و اغراق در روایات مربوط به او سرچشمه می گیرد. از این رو، بی سبب نیست که بخش بزرگی از اخبار و روایاتِ حاکی از پیش بینی خلافت بنی عباس یا اثبات حقانیت ایشان در تصدیِ خلافت، به او منسوب شده است.

ابن عباس در روایات شیعه:

در حقیقت روایات شیعه را در خصوص ابن عباس، می توان به دو دسته روایات تقسیم نمود، دسته اول: روایات مادحه و دسته ی دوم: روایات قاده، در خصوص روایات مادحه، مرحوم آیه الله خوئی می آورند: هر چندما روایت صحیحہ ی در مدح و ثناء ابن عباس نیافتیم، و در همه روایات ضعف سندی وجود دارد، و لکن استفاضہ ی این روایات ما را از بررسی سندی پیرامون این احادیث جبران می کن و اطمینان به صدور بعضی از این روایات از امام معصوم علیہ السلام اجمالاً حاصل می گردد.

اما روایاتی که در قدح و مذمت ابن عباس آمده، و در رجال کشی این احادیث نقل شده اند: علامه حلی (726ھ) (در خلاصہ الاقوال می آورد: عبدالله بن عباس از یاران رسول خدا صلی الله علیہ و آلہ و دوستان و شاگرد علی علی السلام بوده است، بزرگی و اخلاص او نسبت به امیرالمومنین علیہ السلام مشهور تر از ان است که مخفی باشد، و کشی احادیثی در مذمت وی نقل نموده است که او بالاتر از اینگونه روایات است، که ما در کتاب خویش آنها را نقل کرده و به آنها جواب داده ایم، و ابن داود) متولد 647ھ (در رجال خود می نویسد: عبدالله بن عباس رضی الله عنہ، احوالاتش بزرگ تر از آن است که اشاره ی به کمالات، بزرگی و محبتش نسبت به امیر المومنین علیہ السلام و فرمانبرداری از او بشود. ما در این مقام ابتداء به روایات مادحه سپس به روایات قاده می پردازیم:

روایات در مدح ابن عباس:

کشی از حمدیه و ابراهیم از ایوب بن نوح از صفوان بن یحیی از عاصم بن حمید از سلام بن سعید از عبدالله بن عبداللیل که مردی از اهالی طائف بوده نقل می کند که او، ابن عباس را در بیماری که منجر به

مرگش شد ملاقات نمود که این چنین می گفت: خداوندا مرا زنده بدار بدانچه که علی بن ابیطالب را زنده نگاه داشتی و بمیران بر آنچه که علی بن ابیطالب بر آن مرده است، و بعد از آن وفات نمود.

کشی از جعفر بن معروف از محمد بن حسین از جعفر بن بشیر از ابن جریج از امام صادق علیه السلام نقل می کنند هنگامی که ابن عباس وفات یافت پرنده ی سفید از کفش خارج گردید و به آسمان رفت تا از دیده ها مخفی شد و پدرم (امام باقر علیه السلام) ابن عباس را بسیار دوست می داشت و در زمانی که کودک بود، مادرش او را لباس می پوشاند و با کودکان بنی عبدالمطلب رها می ساخت، ابن عباس هنگامی که بینایی خویش را از دست داده بود روزی به پدرم گفت: تو کیستی؟ پدرم گفت: من محمد بن علی بن حسین هستم، ابن عباس گفت: این تو را کفایت می کند و اگر کسی تو را با این نشناسد، تو را نشناخته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: حذیفه بن یمان از برگزیدگان پروردگار و بینایی شما در حلال و حرام، عمار بن یاسر از سبقت جوینان شما در اسلام، مقداد بن أسود از مجتهدین و برای هر چیز آگاه و دانایی ست و آگاه و دانای قرآن عبدالله بن عباس است.

در باب معجزات و اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنچه که بر اشخاص می گذرد، این که نقل شده، رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ابن عباس فرمودند: نمی میرد تا اینکه بینایی چشمانش می رود و دارای علم می گردد.

ابن شهر آشوب نقل می کند که ابن عباس می گفت: حسین را قبل از آنکه متوجه عراق شود، نزد کعبه دیدم در حالی که دست جبرئیل در دستانش بود و جبرئیل ندا می کرد: بشتابید برای بیعت نمودن با خدا عزوجل و می گفت: همانا یاران حسین نه یک مرد از آنها کم و نه یک مرد از آنها زیاد می باشد همانا من قبل از شهادت آنان، اسامی آنها را می دانستم.

سید بن طاووس از نقاش نقل می کند که همانا ابن عباس به دلیل زیادی گریه اش بر علی بن ابیطالب علیه السلام نابینا شد .

روایات در مذمت ابن عباس:

روایت کشی از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امام زین العابدین علیه السلام در روایتی دو آیه ی شریفه ی « من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى و أضلّ سبيلا » و « لا ينفعمكم نصحي ان اردت ان انصح لكم » را در مورد پدر ابن عباس دانسته و ابن عباس را به خیانت متهم نموده است.

بررسی روایت:

در سلسله ی روایتی که کشی از امام باقر علیه السلام نقل نموده جعفر بن معروف قرار دارد، که معظم رجالیون قائل به توقف در روایات وی شده اند، به گونه ی که مرحوم آیه الله خوئی، جعفر بن معروف را توثیق نموده است، و شهید ثانی همه ی روایاتی که دلالت بر قدح ابن عباس آمده را از حیث سندی ضعیف دانسته است .

روایت بالا را کشی به سند دیگری از امام سجاد علیه السلام نقل نموده، که علی بن محمد بن قتیبه از فضل بن شاذان و او از محمد بن ابی عمیر واو از احمد بن محمد بن زیاد روایت نقل کرده است، آیه الله خوئی در ذیل این روایت می آورد: این روایت موثوقه نیست زیرا علی بن محمد بن قتیبه روایت مرسله نقل نموده و حتی بنا بر صحت سند، احمد بن محمد بن زیاد مجهول می باشد.

کشی از محمد بن مسعود از جعفر بن احمد بن ایوب از حمدان بن سلیمان از ابو محمد عبدالله بن محمد یمانی از محمد بن حسین بن ابی الخطاب از پدرش حسین از طاووس حدیثی نقل می کند که حسن بن علی علیه السلام، شان نزول آیه « فلبئس المولى و لبئس العشير » را پدر ابن عباس دانسته و او را از عاقبت بدوی و فرزندانش آگاه نموده است .

بررسی روایت :

آیه الله خوئی در معجم رجال این روایت را از جهت رواتش تضعیف نموده است.

کشی از محمد بن عیسی بن عبید از محمد بن سنان از موسی بن بکر از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امیر المومنین علیه السلام عبدالله بن عباس و عبیدالله بن عباس را لعنت نموده و از خداوند در خواست کرد که چشمان آنها را همانند قلبهایشان کور و نابینا کند.

بررسی روایت:

این روایت از دو جهت، ضعیف می باشد، 1- طریق کشی به محمد بن عیسی بن عبید مجهول است -2 به واسطه وجود محمد بن سنان و موسی بن بکر واسط که در نقل روایت ضعیف می باشند روایت مرسله می گردد.

نتیجه گیری :

هر چند عبدالله بن عباس در زمان حیات رسول خدا(ص) (دوران صباوت خویش را میگذرانیده است ، و ما با مراجعه به منابع روایی فرق مسلمین روایات متعددی را در موضوعات گوناگون بخصوص تفسیر و فقه از او مشاهده میکنیم که در آنها او از رسول خدا (ص) (نقل روایت مینموده است ولکن نقل روایت او در دوران کودکی وی از رسول خدا (ص) (به صحت روایات او ضرری وارد نمی کند ، زیرا به اجماع همه فرق روایات عبدالله بن عباس در دوران کودکی صحیح بوده و مورد پذیرش می باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

- ابن اثیر محمد جزری عزالدین، اسدالغابه چاپ اول ۱۴۲۵ هـ بیروت لبنان .
- ابن عبدالبر یوسف، الاستیعاب فی أسماء الاصحاح چاپ ۱۴۲۷ هـ دارالفکر بیروت لبنان .
- ابن کثیر ابی فدا، البدايه و النهايه، تحقیق جمیل عطار، دارالفکر بیروت لبنان:
- ابن عساکر ابوالقاسم علی بن حسن شافعی، تاریخ مدینه دمشق، چاپ اول ۱۴۲۱ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- اردبیلی محمد بن علی، جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات، چاپ دوم ۱۴۲۸ هـ، کتابخانه آیتة الله مرعشی قم.
- اصفهانی ابو نعیم احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، دارالفکر بیروت لبنان
- ابن داود علی حلی، رجال ابن داود، چاپ ۱۳۴۲ هـ دانشگاه تهران
- أبناسی شیخ برهان الدین، الشذ الفیاح من علوم ابن الصلاح، چاپ اول ۱۴۳۲ هـ مکتبه العصریه صیدا بیروت لبنان
- ابن خیاط ابن عمرو خلیفه، طبقات، تحقیق سهیل زکار، چاپ ۱۴۱۴ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- اندلسی احمد بن محمد بن عبدربه، العقد الفرید، تحقیق محمد عبدالقادر شاهین، نشر مکتبه عصریه، صیدا بیروت لبنان
- ابن اثیر عزالدین، الکامل فی التاریخ، ترجمه دکتر سید حسین روحانی، چاپ دوم ۱۳۷۴ هـ انتشارات اساطیر تهران
- ابن ابی شیبه کوفی عبدالله بن محمد، المصنف، دارالکفر سال ۱۴۰۹ هـ نشر جامعه المدرسین قم
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نشر مصطفوی، قم ایران
- اندلسی علی بن احمد بن سعید بن حزم، جمهره انساب العرب، چاپ پنجم ۲۰۰۹ م دارالکتب العلمیه بیروت لبنان
- بلاذری احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار، چاپ اول دارالفکر بیروت لبنان.
- بخاری ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، التاریخ الکبیر، نشر دارالکتب العربی بیروت لبنان
- بغدادی حافظ احمد بن علی خطیب، تاریخ بغداد، چاپ دوم ۱۴۲۵ هـ دارالکتب العلمیه بیروت لبنان
- یهقی، دلائل النبوه، دارالکتب العلمیه چاپ ۱۴۰۵ هـ بیروت لبنان
- جنوردی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ پنجم ۱۳۸۳ هـ تهران
- بخاری محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ اول ۱۴۲۲ هـ دار احیاء التراث العربی بیروت لبنان
- بغدادی ابو حسین عبدالباقی بن قانع، معجم الصحابه: تحقیق حمدی دمرداش محمد، چاپ اول ۱۴۲۴ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- تیمی محمد بن حبان، الثقات، چاپ اول دارالفکر بیروت لبنان
- خوئی سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، چاپ پنجم ۱۴۱۳ هـ
- خطیب دکتر محمد عجاج، اصول الحدیث علومه و مصطلحاته، چاپ ۱۴۲۸ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- جدیدی نژاد محمد رضا، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، اشراف محمد کاظم رحمان ستایش، نشر دارالحدیث چاپ سوم ۱۳۸۷ هـ ش، قم
- حلی حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی الرجال، تحقیق شیخ جواد قیومی، چاپ دوم نشر الفقاهه قم
- حنبل ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، دار احیاء التراث عربی بیروت لبنان
- حاکم نیشابوری ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین؛ تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشی، هند سال ۱۳۴۲ هـ.
- ذهبی محمد بن احمد بن عثمان، تذکره الحفاظ، چاپ دوم ۱۴۲۸ هـ دارالکتب العلمیه بیروت لبنان
- ذهبی شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ اول ۱۴۱۷ هـ دارالکفر بیروت لبنان
- زرکلی خیر الدین، الاعلام لأشهر الرجال و النساء، دارالعلم الملايين بیروت لبنان
- سखाوی شمس الدین، التحفه اللطیفه فی تاریخ المدینه الشریفه، چاپ اول ۱۴۱۴ هـ دارالکتب العلمیه بیروت لبنان
- سیوطی عبدالرحمن، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، چاپ ۱۴۲۷ هـ نشر دارالفکر بیروت لبنان

- . سجانی جعفر، طبقات الفقهاء، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ نشر موسسه امام صادق علیه السلام قم
- . شهروزی عثمان بن عبدالرحمن، مقدمه ابن صلاح فی علوم الحدیث، تحقیق دکتر عبدالحمید هندآوی، نشر مکتبه العصریه بیروت لبنان
- . شاهرودی شیخ علی نمازی، مستدکات علم الرجال، چاپ اول ۱۴۲۶ هـ نشر جامعه المدرسین قم
- . شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان، اختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر جماعه مدرسین حوزه ی علمیه قم.
- . صفدی صلاح الدین خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، چاپ اول ۱۴۲۶ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- . طبری محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، چاپ دوم ۱۴۰۸ هـ دارالکتب العلمیه بیروت لبنان
- . طبرانی ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چاپ اول ۱۴۳۰ داراحیاء التراث العربی بیروت لبنان.
- . عسقلانی احمد بن علی بن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق صدقی جمیل عطارف چاپ اول ۱۴۲۱ هـ دارالفکر بیروت لبنان.
- . تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق صدقی جمیل عطار، چاپ اول ۱۴۲۵ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- . عسقلانی احمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، تحقیق صدقی جمیل عطار، چاپ اول ۱۴۲۵ هـ دارالفکر بیروت لبنان
- . العاملی زین الدین بن علی، الراعیه فی علم الدرايه، تحقیق غلام حسین قیصری، چاپ چهارم تحت مجموعه رسائل فی درایه الحدیث نشر دارالحدیث بیروت لبنان
- . عاملی حسین بن عبدالصمد، وصول الاخیار الی اصول الاخبار، تحقیق سید محمد رضا جلالی، تحت مجموعه رسائل فی درایه الحدیث، چاپ چهارم ۱۴۳۲ هـ دارالحدیث قم
- . قمی شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، چاپ پنجم ۱۴۲۸ هـ نشر دارالسوه قم
- . قمی میرزا ابوالقاسم، قوانین الاصول، طبع سنگی
- . قمی شیخ عباس، کحل البصر، ترجمه هوشنگ أجاجی، جواد قیومی، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ نشر آفاق تهران
- . قهپائی علی، مجمع الرجال، چاپ اول ۱۴۳۱ هـ موسسه التاریخ العربی بیروت لبنان
- . کشی، رجال کشی، چاپ چهارم ۱۴۲۴ هـ مرکز نشر آثار علامه مصطفوی تهران
- . مجلسی محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران
- . مزی جمال الدین ابوحجاج یوسف، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، چاپ چهارم موسسه رسالت بیروت لبنان
- . مامقانی شیخ عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ اول ۱۴۲۶ هـ نشر إحياء التراث آل بیت (ع) قم
- . مامقانی شیخ عبدالله، مقباس الهدایه فی علم الدرايه، تحقیق شیخ محمد رضا مامقانی، چاپ اول ۱۳۸۵ هـ نشر دلیل ما قم.
- . نیشابوری ابو حسین مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، چاپ اول ۱۴۲۰ هـ داراحیاء التراث عربی بیروت لبنان
- . هندی علاء الدین علی متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأَقوال و الأفعال، نشر ۱۴۰۹ هـ موسسه الرساله بیروت لبنان
- . هیشمی، علی بن ابی بکر مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق عبدالله محمد درویش، دارالفکر بیوت لبنان